

### عقاید شیعه و کتاب «اصل الشیعه و اصولها»

شیخ محمد حسین کاشف القطاء صاحب کتاب «اصل الشیعه و اصولها» است. ایشان این کتاب را در پاسخ به شبهاتی که احمد امین مصری مطرح کرده نوشته است. احمد امین مصری تالیفاتی زیادی دارد از جمله «فجر الاسلام»، «ظهر الاسلام»، «یوم الاسلام» و «ضحی الاسلام». وی در این کتاب ها به بررسی مباحث تاریخی جهان اسلام پرداخته و در آنها گاهی عقاید نادرستی را به شیعه نسبت می دهد. البته ممکن است در تاریخ تشیع فرقه هایی ایجاد شده باشد که چنین سخنانی گفته باشند، اما وی این مطالب را به صورت مطلق به شیعه نسبت می دهد در حالی که عنوان شیعه به صورت مطلق به امامیه اثنی عشریه اطلاق می شود.

مرحوم کاشف القطاء می گویند: برخی می گویند مسیحیت در شیعه ظهور کرده است چون شیعیان درباره امام همان حرفی را می زنند که مسیحیت درباره حضرت عیسی (ع) می گویند. این سخن نادرست است، ممکن است برخی غلات این حرف را زده باشد اما شیعه امامیه که در کشور عراق و ایران و افغانستان و ... هستند، از این سخنان مبرا هستند و خود آنان این مطالب را در کتاب های خود رد و نقد کرده اند. ایشان در ادامه می فرمایند اگر می خواهید عقاید شیعه را ببینید به عنوان مختصر به کتاب «تجريد الاعتقاد» و به صورت مفصل به کتاب «اسفار» مراجعه کنید. عبارت ایشان چنین است:

«أما الشيعة الإمامية و أعني بهم جمهرة العراق و إيران و ملايين المسلمين في الهند و مئات الألوف في سوريا و الأفغان فإن جميع تلك الطائفة من حيث كونها شيعة يبرءون من تلك المقالات و يعدونها من أشنع الكفر و الضلالات، و ليس دينهم إلا التوحيد المحض و تنزيه الخالق عن كل مشابهة للمخلوق أو ملاسبة لهم في صفة من صفات النقص و الإمكان، و التغير و الحدوث، و ما ينافي وجوب الوجود و القدم و الأزلية، إلى غير ذلك من التنزيه و التقديس المشحونة به مؤلفاتهم في الحكمة و الكلام من مختصرة (كالتجريد) أو مطولة (كالأسفار) و غيرهما مما يتجاوز الألوف، و أكثرها مطبوع منتشر، و جلها يشتمل على إقامة البراهين الدامغة على بطلان التناسخ و الاتحاد و الحلول و التجسيم»<sup>۱</sup>.

این کتاب قبل از انقلاب توسط آیت الله مکارم به فارسی با عنوان «این است آیین ما» ترجمه شده است.

### سوال و جواب

آیا ائمه اطهار (ع) اسماء ذاتیه الهی هستند؟

<sup>۱</sup> اصل الشیعه و اصولها، کاشف الغطاء، ص ۱۱۲

پاسخ این است که اینگونه نیست. آنها اسماء فعلیه الهی هستند، یعنی در میان مخلوقات و تجلیات الهی، آنان بالاترین تجلی خداوند متعال هستند. فرموده اند: «تحن اسماء الله». البته این مساله با اینکه آنها نور واحد هستند منافاتی ندارد زیرا نور حقیقت ذو مراتب است.

### حقیقت نبوت، گزینش الهی یا امری بشری

سخن در این بود که حقیقت نبوت و پیامبری چیست؟ آیا گزینش الهی است یا مطابق آنچه در کتاب مسیر پیامبری مطرح شده، گزینش بشری است؟ گفته شد برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید روش مناسب برای این مساله را پیدا کنیم.

یکی از روش ها، روش عقلی تجربی است. (روش عقلی دو گونه است: روش عقلی تجریدی و روش عقلی تجربی). این روش در علوم طبیعی و تجربی کاربرد دارد و روشن است که نمی تواند مساله ما که امری غیر حسی است حل کند. مساله این است که آیا پیامبری گزینش الهی است یا این خود بشر است که بر اساس خلوت گزینی اقدام کرده به این کار نموده است؟

روش تجربی با کمی تنزل به علوم اجتماعی می رسد. علوم طبیعی به دو قسم تقسیم می شود: علوم طبیعی تجربی و علوم غیر طبیعی که مراد علوم اجتماعی و انسانی است. مثلاً تاریخ و جامعه شناسی و اقتصاد و سیاست جز علوم تجربی، اما علوم انسانی است نه طبیعی. موضوع بحث در علوم طبیعی، طبیعت است که انسان در پیدایش آنها نقشی ندارد، اما در علوم انسانی موضوع آن چیزی است که محصول انسان است. در علوم انسانی و اجتماعی بر اساس آمار به بررسی مساله ها می پردازند. قضایای علوم تجربی طبیعی جهان شمول است و در آنها بحث آمار مطرح نیست، اما علوم اجتماعی بر اساس آمار سخن می گوید و ضابطه ای که صد درصد باشد در آن یافت نمی شود.

اکنون آیا به روش علوم اجتماعی می توان به این سوال پاسخ داد که حقیقت پیامبری چیست؟ اگر پیامبری گزینش الهی باشد ربطی به اختیار انسان ندارد، اما اگر آن را گزینش بشری بدانیم می توان از روش علوم انسانی درباره آن بحث کرد، اما باز مشکلی وجود دارد و آن اینکه مساله ما علی التردید است و هنوز مشخص نشده که آیا پیامبری فعل و گزینش انسان است یا نه، بنابراین باز نمی توان با روش علوم انسانی درباره آن تحقیق کرد.

آیا می توان از طریق روش انسانی لوازم آن را بفهمیم. نه امکان ندارد.

### تفاوت نظریه مسیر پیامبری با نظریه دکتر سروش

دکتر سروش به گزینش الهی در مساله نبوت معتقد است و همان دیدگاه رسمی را انتخاب کرده است اما نویسنده کتاب مسیر پیامبری اصل گزینش الهی بودن نبوت را قبول ندارد. سروش می گوید کار خداوند مثل باغبان و درخت است. باغبان درخت می کارد و درخت خود میوه می دهد. خداوند پیامبر را آفریده است و این میوه ها محصول خود پیامبر است. کار خداوند این است که زنبور عسل بیافریند و این خود زنبور است که عسل تولید می کند. آقای سروش در پاسخ به آیت الله سبحانی در مقاله ای با

عنوان طوطی و زنبور می گوید شما پیامبر را همانند طوطی می دانید که آنچه به او گفته می شود، بیان می کند اما من وحی نبوت را وحی زنبوری می دانم.

سروش در مقام شاهد می گوید: قرآن می گوید «حور مقصورات فی الخیام». این بدان خاطر است که قرآن در جزیره العرب نازل شده است و اگر در جای دیگر نازل می شود به گونه ای دیگر بود. پاسخ این است که اولاً کل اصطلاحات قرآن اینها نیست. قرآن اصطلاحات فراوان دیگری دارد که عمومی است. ثانیاً: اصطلاحات قرآن حکیمانه است. یک انسان حکیم وقتی با جمعی روبرو می شود ابتدا از اصطلاحاتی که آنان می فهمند استفاده می کند و بعد مطالب دیگری که تعمیم دارد را بیان می کند. ثالثاً: اگر پیامبر (ص) این اصطلاحات را روی حکمت به کار برده است، خدای متعال که حکیم تر از ایشان است.

### فضای مجازی و تهدید آن

فضای مجازی هم می تواند مفید باشد و هم مضر، اما متأسفانه استفاده های مضر در آن بیشتر است. این بدان خاطر است که مدیریت فضای مجازی در دست دیگران است. یکی از تحلیل گران در تحلیل زیبایی گفته بود: آیا کشور ما در تصرف دشمن است یا نه؟ در پاسخ گفته بود از جهت فضای حقیقی نه اما از جهت فضای مجازی اشغال شده ایم. اشغال سرزمین گاه، تصرف زمینی است و گاه تصور ذهن ها است، و این گونه دوم مهم تر است، زیرا افراد بدون اینکه بدانند و بدون اینکه دشمن در داخل هزینه کند، پیاده نظام دشمن شده و خواسته های او را انجام می دهند. این همان مهندسی فرهنگی است که مقام معظم رهبری فرمودند دشمن آن گاه که بتواند ذهن مدیران جامعه را مدیریت کند، خطر بدتری واقع شده است.

رهنمودهای مقام معظم رهبری رهنمودهایی طلایی است اما متأسفانه برخی گوش نمی دهند. ایشان در بزنگاه ها نکات بسیاری کلیدی مطرح می کنند که اگر عمل شود کشور از آسیب های مختلف بیمه می شود.

حقیقت یک چیز است و آنچه در فضای مجازی مطرح می شود دروغی است که با شیوه های مختلف برای فریب مخاطب عرضه می شود. مخاطبین این مطالب نیز سه گونه اند: برخی آن مطالب را قبول کرده و به رسانه های داخلی بی اعتماد شده اند. برخی که اهل تحقیق هستند آنها را قبول نمی کنند، اما برخی دیگر دچار تردید می شوند، و این همانند جنگ صفین است که در آن برخی دچار شک شدند و به امیرالمومنین (ع) گفتند ما نمی دانیم حق کدام طرف است؟ شما نماز و قرآن می خوانید و آنان نیز نماز و قرآن می خوانند؟

روش دیگر شناخت، روش وجدانی است، و آن این است که مشهود و معلوم در آن امری درونی است. گفته شد با این روش هم نمی توان درباره مساله حقیقت پیامبری وارد شد.

روش دیگر، روش عرفان است. در این روش مشهود درونی است اما معلوم بیرونی است. گفته شد اگر کسی مبنایش این باشد که مقام نبی بالاتر از مقام عارف است، همان سخن ابن عربی وارد است که گفت: مستقیماً هیچ کسی نمی تواند حقیقت نبی را

شہود کند. هیچ کدام از ما اہل عرفان نمی توانیم مقام نبوت را شہود کنیم. اما اگر بگویید مبنای من این است کہ نبی و عارف از نظر مرتبہ وجودی فرقی نمی کنند و تفاوت آنها در ماموریت است، در این صورت می تواند از این طریق برای شناخت حقیقت نبوت استفادہ کند. البتہ در جلسہ قبل گفتہ شد ہر چند بر مبنای قبل عارف نمی تواند مستقیم نبی را شہود کند اما می تواند غیر مستقیم شہود کند و آن اینکہ این گزارہ را دریافت کند کہ نبوت امری الہی و این شخص نبی است. اما عیب این راہ آن است کہ شخصی است و قابل انتقال بہ غیر نیست.

روشن دیگر شناخت روش نقلی است. روش نقلی دو گونه است: نقل عادی متعارف و نقل معصومانہ. نویسندہ در این کتاب از روش نقل تاریخی و عادی استفادہ کردہ است اما آیا روش نقلی می توان بہ حقیقت نبوت دست یابد؟ پاسخ منفی است زیرا منقول تنها امور محسوس یعنی دیدنی ها و شنیدنی ها است، در حالی کہ گزینش بودن الہی امری محسوس نیست. بنابراین نقل تاریخی نہ می تواند دربارہ ضرورت نبوت سخن بگوید و نہ اینکہ گزینش الہی است. روش باستان شناسی ہم بہ ہمین شرح است، علاوہ بر اینکہ باستان شناسی از روش نقلی ہم اضعف است، زیرا در آن مسالہ برداشت و تحلیل دادہ ها وجود دارد در حالی کہ روش نقلی، از این جہت خام و دست نخوردہ است.

ادامہ بحث انشاء اللہ در جلسہ آیندہ بیان می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد